

سوره «طه» (۲۰)

حروف مقطعه

سوره طه نیز همچون بسیاری از سوره‌های قرآن، با حروف مقطعه آغاز می‌گردد. در مورد کلمه «طه» که نام این سوره^۱ و رمز ابتدای آیات آن می‌باشد، مفسرین نظریات بسیار مختلف و متنوعی داده‌اند که هیچکدام متکی به دلایل قانع‌کننده قرآنی یا علمی نمی‌باشد، البته برخی به روایتی از امام صادق (ع) متوسل شده‌اند که کلمه «طه»، همچنین کلمه «یس»، را از اسماء و صفات آسمانی و باطنی رسول خدا (ص) که مختص آن حضرت بوده، به‌عنوان رمزی میان خداوند و رسولش، که واقعیت آنرا دیگران نمی‌دانسته‌اند، شمرده است.

به گفته مرحوم علامه طباطبائی (در تفسیر المیزان) «سوره‌هایی که حروف مقطعه بر سر آن آمده است با یکدیگر ارتباط دارند و اشتراک این حروف میان چند سوره دلالت بر اشتراک مضامین آنها می‌نماید» این سخن که شواهد بسیاری از طریق تحقیق و بررسی آنرا تأیید می‌کند می‌تواند راهنمای مفید و مؤثری برای کشف حروف مقطعه این سوره و سایر سوره‌های قرآن قرار گیرد. به‌خصوص اگر توجه داشته باشیم تک تک حروف تشکیل‌دهنده

۱. به جز این سوره، ۳ سوره دیگر نیز نام آنها از حروف مقطعه آغاز آن اخذ شده است: «یس»، «ص» و «ق». این مطلب نشان می‌دهد اهمیت این حروف، به قدری است که به‌عنوان یک رمز نام سوره شده است.

این کلمات معنای خاصی دارد^۱. مهم تر از آن اینکه برخی از حروف مقطعه یک آیه محسوب شده و برخی دیگر قسمتی از آیه اول سوره را تشکیل می دهند^۲ و در سوره شوری ۲ آیه به حروف مقطعه اختصاص داده شده است.

۱. جمعاً (۲۹) سوره قرآن با حروف مقطعه آغاز شده که در (۱۹) سوره آن حروف مقطعه به عنوان یک آیه مستقل محسوب شده اند (سوره شوری دو نوع حروف مقطعه دارد) و ۱۰ مورد دیگر بخشی از آیه اول هستند. ذیلاً حروف مقطعه و سوره هائی که با آن آغاز شده اند نام برده می شوند:

«الم» (سوره ۶) بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان، سجده.	«یس» (۱ سوره) یس
«الر» (۵ سوره) یونس، هود، یوسف، ابراهیم، حجر	«طسم» (۲ سوره) شعراء و قصص
«المرا» (۱ سوره) رعد	«طس» (۱ سوره) نمل
«المص» (۱ سوره) اعراف	«طه» (۱ سوره) طه
«حم» (۶ سوره) مؤمن، فصلت، زخرف، دخان، جائیه، احقاف	«کهیصص» (۱ سوره) مریم
«حم عسق» (۱ سوره) شوری	«ص» (۱ سوره) ص
«ق» (۱ سوره) ق	«ن» (۱ سوره) قلم

سوره هائی که در بعضی حروف اشتراک دارند: (۱۴ حرف)

در الف و لام (۱۲ سوره) بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان، روم، لقمان، یونس، هود، یوسف، ابراهیم، حجر، رعد، اعراف

«م» (۱۶ سوره) بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان، رعد، اعراف، مؤمن، فصلت، زخرف، دخان، جائیه، احقاف، شوری، شعراء، قصص

«س» (۴ سوره) یس، شعراء، نمل، قصص

«ص» (۳ سوره) ص، اعراف، مریم. «ن» (۱ سوره) قلم

«ق» (۲ سوره) شوری و ق «ک» (۱ سوره) مریم

«ع» (۲ سوره) مریم و شوری «ر» (۶ سوره) یونس، هود، یوسف، ابراهیم، حجر، رعد

«ه» (۲ سوره) طه و مریم «ط» (۴ سوره) طه، شعراء، نمل، قصص

«ی» (۲ سوره) یس و مریم «ح» (۷ سوره) مؤمن، فصلت، زخرف، دخان، جائیه، احقاف، شوری

۲. سوره هائی که حروف مقطعه آن یک آیه مستقل محسوب نشده اند عبارتند از: یونس، هود، یوسف، ابراهیم، حجر، رعد، ص، طس، ق، ن.

به این ترتیب معلوم می شود حروف: «الر»، «المرا»، «ص»، «ق»، «ن»، «طس» به عنوان یک آیه محسوب نشده اند. (۱۰ سوره)

اینک با توجه به نکات فوق می‌توانیم به سراغ سوره «طه» برویم و با استفاده از خود قرآن گوشه‌ای از این رمز را درک نمائیم. قدر مسلم این است که اگر این کلمات تنها رمزی میان خدا و رسولش بوده و برای سایر مسلمانان (گذشته و آینده) پیامی و فایده‌ای نداشته است، در قرآن نمی‌آمد، همینکه برای قرائت مسلمانان ثبت و ضبط شده باید در آن تدبر و تفکر نمود و به اشارات و رموز آن پی برد.

کلمه «طه» از دو حرف «ط» و «ه» تشکیل شده است، اگر فرضیه ارتباط مضامین بین سوره‌هایی که حروف مقطعه مشترک دارند، درست باشد، باید از یک طرف بین سوره «طه» با سوره‌هایی که حرف ط در حروف مقطعه آنها به کار رفته، مثل سه سوره پشت سرهم: شعراء، نمل و قصص، که با «طس» یا «طسم» شروع شده‌اند، از طرف دیگر با سوره مریم که حرف «ه» در حروف مقطعه آن به کار رفته است (کهیصص) ارتباطی برقرار باشد.

با بررسی و مطالعه ۳ سوره: شعراء، نمل و قصص، به زودی به اشتراک مهمی میان این سوره‌ها با سوره «طه» پی می‌بریم؛ مهمترین موضوع هر چهار سوره، شرح زندگی و رسالت حضرت موسی (ع) است^۱ و این داستان محور اساسی سوره‌های مذکور را تشکیل می‌دهد. شگفت اینک کلماتی که در این سوره‌ها، به خصوص در داستان حضرت موسی (ع) به کار رفته، بیش از همه جای قرآن حرف «ط» در آن به کار رفته است. مثل: طور، طوی، طود، طغیان، طریقه، طین، طیبات و غیره.

اگر خواسته باشیم به کمک محاسبات آماری رابطه‌ای بین حرف «ط» در این سوره و ۳ سوره دیگر پیدا کنیم به ارقام شگفت‌انگیزی می‌رسیم، که تماماً ضربی از عدد «۹» و «۱۹»

۱. در سوره طه ۹۰ آیه از ۱۳۵ آیه، در شعراء ۶۰ آیه از ۲۲۶ آیه، در نمل ۸ آیه از ۹۳ آیه و در قصص ۵۰ آیه از ۸۸ آیه به داستان حضرت موسی اختصاص یافته است. در سوره نمل این نسبت کم است. شاید به همین دلیل هم حروف مقطعه آن یک آیه محسوب نشده است.

بوده قانونمندی این فاکتور را در کل سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز شده‌اند تأیید می‌کند (مطابق محاسبات دکتر رشاد خلیفه استاد کامپیوتر دانشگاه آریزونا تعداد این حروف در تمامی ۲۸ سوره قرآن بدون استثناء ضریب ۱۹ می‌باشد).^۱

* تعداد آیاتی که در بخشی از سوره «طه» به حضرت موسی اختصاص یافته ۹۰ آیه (۹×۱۰) از ۱۳۵ (۹×۱۵) آیه می‌باشد و حرف «ط» در این آیات ۱۹ بار به کار رفته است. مثل:

طه، طوی، طغی (۲ بار)، اصطنعتک، اعطی، طریقتکم، فلاقطعن، فطرنا، خطایانا، طریقاً، طور، طیبات، تطغوا، افضال، اطیعوا، خطبک، یفرط، یطغی.

* در کل سوره ۲۷ (۳×۹) کلمه با حرف ط به کار رفته است که علاوه بر کلمات فوق عبارتند از: صراط، طلوع، طریق، یحیطون، اطراف، اصطبر، طفقا، اهبطا

* تعداد کلماتی که در بخشی از سوره‌های شعراء، نمل و قصص به حضرت موسی (ع) اختصاص یافته و در آنها حرف ط به کار رفته ۱۹ کلمه می‌باشد که عبارتند از:

در سوره شعراء (ینطلق، لاقطعن، خطایانا، کالطود)، در سوره نمل (تصطلون)، در سوره قصص (طائفه، فالتقطه، خاطین، ربطنا، شیطان، یبطش، خطبکما، طور، تصطلون، شاطی، سلطاناً، طین، فاطلع، فتناول).

* اگر مجموع کلماتی را که در هر چهار سوره شامل حرف می‌باشد در نظر بگیریم (بدون احتساب حروف مقطعه) $38 = 2 \times 19$ می‌باشد. تعداد کلماتی که در هر چهار سوره ریشه آنها با حرف «ط» آغاز می‌شود دقیقاً ۱۹ کلمه می‌باشد که عبارتند از:

طوی، طغی (۲ بار)، طریقتکم، طریقاً، طور (۳ بار)، طیبات، تطغوا، طال، اطیعوا، یطغی، ینطلق، طود، طائفه، طین، فاطلع، فتناول.

تعداد حرف «ط» در ۴ سوره (طه - شعراء - قصص - نمل) ۱۰۷ و تعداد حرف «ه» در ۲ سوره طه و مریم ۴۸۲ است که جمعاً $589 = 19 \times 31$ می‌باشد.

*

با توجه به ارتباط دقیق موضوعی در چهار سوره مورد نظر و کاربرد حساب شده حرف «ط» در این چهار سوره (در رابطه با رسالت حضرت موسی) می‌توانیم چنین احتمال دهیم که حرف «ط» رمزی است برای یادآوری رسالتی که حضرت موسی در رابطه با امت

۱. مطابق محاسبات نامبرده تعداد حرف ط در سوره طه ۲۸ و تعداد ه ۳۱۴ می‌باشد که جمع آن ضریب ۱۹ است ($342 = 18 \times 19$) همچنین مجموع کلمات دارای حرف ط در ۴ سوره قرآن و حرف ه در دو سوره $19 \times 31 = 589$ می‌باشد

بنی اسرائیل به عهده داشته است.

اما حرف «ه» می دانیم به جز سوره طه، تنها سوره مریم حروف مقطعه‌ای شامل حرف «ه» دارد (کهیحصص). در جمع بندی و خلاصه سوره مریم دیدیم که موضوع «صلوة» در معنای وسیع آن که شامل: دعا، مناجاة، تسبیح، تقرب، سجده و... است، محور اساسی و از مهمترین موضوعات سوره می باشد. اینک اگر خواسته باشیم ارتباط این دو سوره را، که حرف «ه» در آغاز آنها به کاررفته، پیدا کنیم، باید مضمون مشترک میان دو سوره را بیابیم. در سوره «طه» ۲ آیه وجود دارد که انطباق با موضوع اصلی سوره مریم (صلوة) دارد که عبارتند از:

آیه (۱۴) - اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوة لذکری (خطاب به حضرت موسی)

آیه (۱۳۲) - و امر اهلک بالصلوة و اصطر علیها لانسلک رزقاً ... « (محمد ص)

در نخستین آیه، اولین پیام وحی در کوه طور به حضرت موسی را نقل می کند که با خطاب: «فاستمع لما یوحی» مقدم بر هر کلام، بر «عبادت» و اقامه «صلوة» تأکید می نماید. آیه بعد که در اواخر سوره طه آمده است، همین سفارش را در آغاز رسالت حضرت ختمی مرتبت (ص) به آن بزرگوار می نماید.

علاوه بر کلمه «صلوة»، موضوع «ذکر» (تذکره) نیز (که در مفهوم وسیع صلوة قرار دارد) در هر دو سوره بسیار به کار رفته است (۸ بار در طه ۷ بار در مریم). از آنجائی که در کلمات: «صلوة» و «تذکره» حرف «ه» به کار رفته است، رابطه آنها با حرف ه در «طه» پیدا می کنیم. از آنجائی که هم حرف «ط» و هم حرف «ه» در این سوره‌ها، در رابطه با رسالت حضرت موسی می باشد، به نظر می رسد حروف مقطعه «طه»، در آغاز سوره طه، یادآوری کننده جریان تاریخی رسالت حضرت موسی، در رابطه با بنی اسرائیل، برای حضرت محمد (ص) باشد و به عنوان رمزی کوتاه در آغاز سوره، ذهن آن حضرت (و شاید بقیه مسلمانان را) متوجه این رسالت سازد. با این تفاوت که در سوره «طه» رسالت موسی (ع) را در ارتباط با توجهات عبادی آن پیامبر و «صلوة» و «ذکر» او بیان می کند (و در مقدمه آن، قرآن را که یادآوری کننده این حقایق است، تذکری برای اهل خشیت می شمارد): (الا تذکره لمن یخشی) و در سوره‌های شعراء، نمل و قصص، که پس از حرف «ط»، حروف «س» و «م» آمده است (طسم - طس)، از بعد و زاویه دیگری (که باید تحقیق شود) رسالت حضرت موسی (ع) را تبیین می نماید. (والله اعلم).

*

اکنون که به نظر می رسد گوشه‌ای از رمز «طه» از زاویه محدودی گشوده شده باشد

خوب است مختصری هم به رمز «یس» پردازیم که این کلمه نیز مانند طه خطاب به پیامبر است و مفسرین در مورد هر دو کلمه نظریات مشابهی ابراز نموده‌اند.

سوره طه: طه، ما انزلنا علیک القرآن لتشقی، الا تذکرة لمن یخشی، تنزیلاً ممن خلق الارض و السموات العلی.

سوره یس: یس، والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین، علی صراط مستقیم، تنزیل العزیز الرحیم.

حرف «ی» تنها در سوره یس و مریم به کار رفته است. اگر این دو سوره را با یکدیگر مقایسه کنیم به سادگی درمی یابیم که رسالت حضرت عیسی (ع) در هر دو سوره بیان شده است. سوره مریم علاوه بر آنکه به نام مادر حضرت عیسی (ع) است، از زکریا و یحیی نیز نام برده است که در رابطه و مصدق آن حضرت بوده‌اند. داستان این بزرگواران که حلقه مرتبگی را تشکیل دهند مهمترین بخش سوره مریم بوده و با آن آغاز می شود و ۴۰ آیه (از ۹۸ آیه) سوره به آن اختصاص می یابد.

در سوره «یس» گرچه نامی از حضرت «عیسی» برده نشده است، اما رسولان سه گانه ای که به سوی قریه (انطاکیه) فرستاده شدند (در این سوره داستان آنها نقل شده) آنطور که مفسرین گفته اند، در دوره حضرت عیسی بوده و از طرف آن حضرت مأموریت یافته‌اند. بنابراین این سوره به رسالت عمومی حضرت عیسی ارتباط پیدا می کند و حروف «ی» و «س» در عیسی و یس مشترک هستند.

تعداد «ی» در سوره یس ۲۳۷ و حرف «س» ۴۸ می باشد که ضریب (۱۹) است (۲۸۵=۱۵×۱۹). حرف «ی» نیز در سوره مریم ۳۴۵ بار بکار رفته که مجموع این حرف در دو سوره یس و مریم ۵۸۲ عدد می باشد. از طرفی جمع تعداد حرف «س» در ۵ سوره (شعراء، نمل، قصص، یس، شوری) ۳۸۷ می باشد که مجموع حرف «ی» در دو سوره و حرف «س» در ۵ سوره $۵۸۲+۳۸۷=۹۶۹=۱۹ \times ۵۱$ می باشد.

از آنجائی که هر دو سوره طه و یس متفقاً با ۳ سوره شعراء (۲۶)، نمل (۲۷) و قصص (۲۸)، که با حروف مقطعه طسم و طس آغاز شده‌اند، در یک حرف اشتراک داشته و مضامین آنها مشترک می باشد، می توان این ۵ سوره را مجموعه مرتبگی شمرد که از داستان تاریخی بنی اسرائیل یاد می کند، در بخشی از این مجموعه رسالت حضرت موسی (ع) را در رابطه با این امت توضیح می دهد و در بخشی دیگر رسالت حضرت عیسی (ع) را که تکمیل کننده همان دین بوده است.

به این ترتیب روشن می شود که در سوره طه خداوند رسالت حضرت موسی را به پیامبر

ختمی مرتبت یادآور می شود و در سوره «یس» رسالت حضرت عیسی (ع) را. مطابق جداول کتاب سیر تحول قرآن سوره طه در سال چهارم بعثت و سوره «یس» در سال پنجم بعثت نازل شده اند، یعنی در فاصله یک سال خداوند رمز رسالت این دو پیامبر را به ترتیب بعثت آنها، به حضرت محمد (ص) یادآوری می نماید و در سال های بعد (در سوره های شعراء، نمل، قصص که با همین حروف مقطعه آغاز شده اند) تفصیل این دو رسالت را بیان می کند.^۱ به نظر می رسد دو رمز: طه و یس اشاره به همان آیه «غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین» سوره حمد داشته باشد.

محتوای سوره

این سوره را برای تسهیل فهم روابط آیات آن، به طور کلی می توان به پنج قسمت تقسیم نمود:

۱- مقدمه (۸ آیه) - این قسمت که خطاب به رسول اکرم است، با نوعی دلداری و تقویت روحیه نسبت به آن حضرت آغاز می شود تا در جریان دعوت منکرین، خود را به رنج و تعب نیفکند و بداند جز کسانی که اهل خشیت باشند از سخن او تذکر نمی گیرند. سپس بر مسئله خالقیت، رحمانیت، مالکیت و علم خداوند، به ترتیب در ۴ آیه بعد، تأکید می نماید و سرانجام با ذکر توحید و نام های نیکوی الهی مقدمه را تمام می کند.

۲- رسالت حضرت موسی (ع) (۹۰ آیه) - درست دوسوم سوره به این موضوع اختصاص یافته است. این بخش که تحت عنوان «حدیث موسی» پس از مقدمه فوق قرار گرفته، از ابتدای رسالت حضرت موسی و اخذ مأموریتش در کوه طور آغاز می شود و تا نجات بنی اسرائیل و فتنه گوساله پرستی ادامه پیدا می کند. البته در اواسط داستان اشاره ای هم به دوران تولد حضرت موسی می شود، اما جنبه یادآوری دارد و از محور داستان خارج می باشد. پس از مقدمه ۸ آیه ای ابتدای سوره، این داستان مفصل به عنوان مصداق تاریخی و شاهد مثالی برای یادآوری و عبرت پیامبر (ص) ذکر می شود تا در ابلاغ رسالت از این تجربه تاریخی پند گیرد و دل قوی دارد.

۳- قیامت (۱۶ آیه) - به دنبال داستان رسالت حضرت موسی (ع)، آیات ۹۹ تا ۱۱۴ سوره طه به سرنوشت بعدی انسان ها در قیامت اشاره می کند و به این ترتیب اذهان مسلمانان را از گذشته ای دور، مربوط به تاریخ بنی اسرائیل، به آینده ای دورتر مربوط به قیامت متوجه

۱. در سوره شوری (۴۲) نیز که با حروف مقطعه «حم عسق» آغاز شده به دلیل وجود حرف «س» اشاره ای هم به حضرت عیسی (ع) شده است (آیه ۱۳).

می سازد. در این سری آیات از سنگینی بار گناه در روز قیامت، نفعه صور و حشر مجرمین، اشتباه انسان در تشخیص مدت درنگ در زندگی دنیا، وضعیت کره زمین در روز قیامت، مسئله شفاعت و علم و احاطه خدا به بندگان و ... یاد می کند. این سری آیات با ذکر قرآن آغاز می شود (وقد اتیناک من لدنا ذکراً) و با همین تذکر خاتمه می یابد (و کذلک انزلناه قرآناً عربیاً و صرفنا فیہ من الوعید... و لا تعجل بالقرآن...). در واقع این بخش نتیجه گیری از مطالب گذشته است.

۴- داستان آدم (۱۲ آیه) - از موضوع قیامت که مربوط به آینده ای ناپیداست، مجدداً به گذشته ای دور، از تجربه زندگی حضرت آدم در بهشت و هبوطش به زمین بازگشت می نماید. به این ترتیب اولین نسیان و بی ارادگی نوع انسان (... فَنسِی و لم نجدله عزماً) را از منشأ پیدایش سراغ می دهد تا زمینه ها و عواملی را که منجر به فریب انسان توسط شیطان می شود نشان دهد. خداوند فرشتگان را مسجود و او را در بهشت اسکان می دهد و با او عهد می کند پیروی از هوای نفس نکرده پایبند فرمان خدا باشد. اما وسوسه شیطان او را به فراموشی و عهدشکنی می افکند و از آن مقام و منزل به زمین هبوط می کند تا مجدداً با توبه و تلاش و به پای خود شایسته نیل مجدد به آن مقام گردد. این سری آیات با ذکر خدا و سرنوشت اعراض کنندگان از یاد او در روز قیامت خاتمه پیدا می کند.

۵- نتیجه گیری (۹ آیه) - آخرین بخش سوره، مجموعه ای از حجت و حکمت است که به عنوان نتیجه گیری از آیات گذشته مطرح گشته و سوره را جمع بندی و خلاصه گیری می کند. این بخش که خطاب به رسول اکرم می باشد، از یک طرف توصیه هائی برای تقویت روحیه آن حضرت می نماید، از طرف دیگر انحرافات قوم او را بیان می کند. در مورد منکرین رسالت او اظهار می دارد که چرا اینها از هلاکت نسل های گذشته که از خرابه های آثار تمدن آنها عبور می کنند عبرت نمی گیرند و دست از گناه برنمی دارند؟ و اینکه قرآن را آیه خدا و معجزه نشمرده معجزات مشابه انبیاء سلف تقاضا می نمایند و ... در برابر چنین مردمی خداوند پیامبرش را به صبر و تسبیح و عدم توجه به ناز و نعمت های آنها توصیه می نماید و برای ابلاغ رسالت متوجه کانون خانواده اش می سازد تا با فرمان دادن آنها به «صلوة» و پایداری در آن، حرکت توحیدی را از نقطه مطمئنی آغاز نماید. موضوع «صلوة» (در معنای وسیع آن) که همه نوع ارتباط انسان با خدا را دربر می گیرد، در این سوره نیز همانند سوره مریم، جنبه اساسی و زیربنائی دارد. سوره با اتمام حجت و اعلام انتظاری که دلالت بر اختیار و آزادی منکرین در مدت حیات دنیا می کند خاتمه می یابد.

کلمات کلیدی

در این سوره برخی از کلمات کاربرد زیادی پیدا کرده‌اند که دقت در آنها می‌تواند به فهم محورهای اساسی سوره کمک شایانی بنماید. اهم این کلمات به قرار ذیل هستند:

۱- طغیان - مشتقات این کلمه در این سوره از سایر سوره‌های قرآن بیشتر است. فرعون به عنوان سمبل استکبار و استعلا در برابر فرمان خدا و رسالت موسی طغیان می‌کند.

۲- نسیان - مشتقات این کلمه پس از سوره کهف از سایر سوره‌های قرآن بیشتر است. آدم به دلیل نسیان مرتکب خطا شد، سامری به دلیل نسیان دیگران را گمراه کرد و انسان به دلیل نسیان، کور محشور می‌گردد.

۳- ذکر - مشتقات این کلمه ۷ بار در سوره طه به کار رفته که موقعیت کلیدی آنرا در رابطه با موضوعات مطرح شده در سوره نشان می‌دهد.

۴- سحر - بعد از سوره شعراء کلمه سحر در این سوره بیش از سایر سوره‌ها به کار رفته است (۹ بار)

۵- شقاوت - در هر یک از دو سوره طه و مریم که متصل به یکدیگر هستند، سه بار مشتقات کلمه شقاوت به کار رفته که بیش از بقیه سوره‌ها می‌باشد.

۶- «لا اله الا الله» - کلمه توحید ۳ بار در مقاطع مختلف سوره تکرار شده که قابل توجه می‌باشد (آیات ۸-۹۸-۱۴)

۷- خشیت - پس از سوره‌های نساء و مائده، موضوع خشیت در این سوره با ۴ بار تکرار مقام بالائی دارد (آیات ۳-۴۴-۷۷-۹۴)

۸- رحمن - پس از سوره مریم (۱۶ بار) و سوره زخرف (۷ بار) و سوره فرقان (۵ بار) در سوره‌های طه، ملک و یس هر کدام چهار بار نام رحمن ذکر شده است.

اسماء الحسنی

در این سوره ۲۵ بار نام «رب» تکرار شده که عمدتاً در ترکیب با ضمائر می‌باشد، همچنین ۷ بار کلمه اله، الهک و الهکم به کار رفته است. نام جلاله «الله» فقط ۶ بار تکرار شده که به طور چشمگیری در مقایسه با سایر سوره‌ها کم است. وفور نام «رب» و قلت نام «الله» نشان می‌دهد موضوع ربوبیت در این سوره بیش از الوهیت مورد توجه می‌باشد. به غیر از این دو نام، فقط «رحمن» ۴ بار در این سوره آمده است و اثری از سایر اسماء الحسنی دیده نمی‌شود.

آهنگ انتهائی آیات

سوره طه ۱۳۵ آیه دارد که به استثنای ۲۸ آیه آن، بقیه با حرف «ی» ختم می شوند. موارد استثنا به جز آیه (۷۸) که با حرف «م» ختم می شود، ۳۷ آیه دیگر با «الف» تمام می شوند. دو کلمه «ی» و «الف» در نوشتن با یکدیگر تفاوت می کنند، اما در خواندن اگر «ی» به صدای بالا باشد (که در این سوره عمدتاً چنین است)، هم‌آهنگ خواهند بود. نکته قابل توجه در این است که در بخش سوم سوره، که مربوط به آیات قیامت می باشد، لحن انتهائی آیات تغییر نموده است. آیه ۷۸ که به طور استثنائی با حرف «م» ختم شده به نظر می رسد برای جلب توجه به نظم عددی حروف مقطعه سوره باشد (کلمه غشیه هم تعداد حرف «ه» را ضریب عدد ۱۹ کرده است).

سال نزول

همه مفسرین اتفاق نظر دارند که این سوره در مکه نازل شده است، البته برخی از مفسرین تعداد کمی از آیات آنرا (از جمله آیات ۱۲۰ و ۱۳۱) مدنی گرفته اند. مطابق جداول کتاب سیر تحول قرآن، این سوره در سال های ۴ و ۷ بعثت نازل شده است. به این ترتیب که آیات ۱-۵۵ مربوط به سال ۴ بعثت و بقیه مربوط به سال هفتم بعثت می باشد.

موقعیت برخی کلمات در سوره

<p>آیه ۸۷ - و لکن حملنا اوزاراً من زینة القوم « ۱۰۰ - و من اعرض عنه فانه یحمل یوم القیمة وزراً « ۱۰۱ - خالدین فیہ و ساء لهم یوم القیمة حملاً « ۱۱۱ - و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلماً</p>	}	حمل
--	---	-----

<p>آیات ۲-۴ ما انزلناه علیک القرآن لتشقی، الا تذکرة ... آیه ۱۱۳ - و کذلک انزلناه قرآنا عربیاً و صرفنا فیہ من الوعد ... « ۱۱۴ - ... ولا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه ... « ۱۳۳ - و قالوا لولایاتینا بایة من ربہ او لم تأتہم بینة ما فی الصحف الاولى « ۹۹ - و اتیناک من لدنا ذکراً</p>	}	قرآن
---	---	------

نکته جالب توجه

در رابطه با حروف مقطعه «طه»، به نظر می‌رسد عمدی در کار بوده تا تعداد هریک از حروف ط و ه، همانند سایر حروف مقطعه قرآن، ضریب (۱۹) باشد. در این سوره کلماتی همچون «اصطنعتک» و «اصطبر» به کار رفته است که از ریشه صنع و صبر می‌باشند و در باب افتعال حرف «ط» گرفته‌اند. کلمه «اصطنعتک» منحصرأدر همین سوره به کار رفته، اما کلمه «اصطبر» در دو سوره دیگر هم آمده است (مریم ۶۵ و قمر ۲۷). اگر این دو کلمه با حرف ط به کار نرفته بودند، نظم عددی سوره به هم می‌خورد. علاوه بر آن، آیه ۷۸ این سوره برخلاف سایر آیات آن که با «الف» و «ی» ختم شده‌اند، به‌طور استثنائی با «م» ختم می‌شود (فاتبعهم فرعون بجنوده فغشیهم الیم ماغشیهم) کلمه آخر این آیه، کاملاً غیر عادی و ظاهراً نامأنوس است. اگر به جای «غشیهم»، «غشی» می‌آمد، هم ریتم سوره حفظ می‌شد و هم آهنگ مأنوس تری پیدا می‌کرد. کما آنکه در دو مورد دیگری که در قرآن این کلمه آمده به همین صورت است. این دو مورد در سوره نجم قرار گرفته: آیه ۱۶- اذیغشی السدره مایغشی. آیه ۵۴- والمؤتفکه اهوی فغشاها ما غشی. شاید علت این تغییر که احتمالاً برای جلب توجه مسلمانان به همین رموز بوده است، در این باشد که اگر کلمه «غشیهم» تبدیل به «غشی» می‌شد نظم عددی حرف «ه» (در سوره طه) که ضریب عدد (۱۹) است به هم می‌خورد.

نکات بعدی: نام حضرت موسی (ع) ۱۳۶ بار در قرآن در ۳۴ سوره و حدود سیصد آیه به کار رفته است، اما تنها در بعضی از آنها حرف ط به کار رفته است.

نازعات طوی، طغی صافات: صراط نساء، سلطانا، طور، طبع. مؤمنون سلطان ذاریات سلطان کهف ۹ بار نه در رابطه با بنی اسرائیل، بلکه در رابطه با عبد خدا. زخرف: فاطاعه یونس سیبطله - اطمس - طیبات.

غافر: سلطان، یطیع، فاطلع اعراف: بطل، لاقطعن، یطیروا، طائرهم، طوفان، اصطفیتک، حبطت، سقط، طیبات، قطعناهم (دوبار)، اسباطاً، حطه، خطیثاتکم، باطل بقره: طیبات، حطه، خطایا، طعام، اهبطوا، طور (۲ بار) یهبط.

در ۳۰ سوره از ۳۴ سوره، در رابطه با رسالت حضرت موسی حدود ۳۶ بار حرف ط به کار رفته (به جز کهف). در حالیکه در ۴ سوره دیگر در همین رابطه (۱۹)×۲ به کار رفته است تنها در دو سوره که با حروف مقطعه الم (بقره) و المص (اعراف) شروع شده، تعداد حرف ط در این رابطه زیاد است ولی در مقایسه با ۴ سوره نامبرده این مقدار کم است. به خصوص اگر

توجه داشته باشیم در ۶۹ آیه سوره اعراف حدود ۱۵ بار «ط» به کار رفته و در آیات بسیار طولانی و مفصل سوره بقره فقط ۸ بار.

به طور کلی تعداد حرف «ط» به طور نسبی در سوره طه به مراتب بیشتر از بقیه سوره‌ها است (البته در اعراف و بقره هم زیاد است).

ارتباط سوره‌های طه و انبیاء (۲۱ و ۲۲)

موضوع آیات انتهایی سوره طه (۱۲۴ تا ۱۳۵)، «اعراض» کافران از «ذکر» خدا و نسیانشان نسبت به آخرت و بی توجهی نسبت به تاریخ گذشتگان و هلاکت نسل‌های منحرف گذشته می باشد. همچنین کم بها دادن به قرآن و انتظار معجزه‌ای همچون معجزات پیامبران گذشته داشتن.

در برابر چنین اعمال و انتظاراتی خداوند پیامبر خود را به صبر و تحمل گفتار آنها و تسبیح به حمد پروردگار در اوقات مختلف شبانه‌روز و چشم ندوختن به مال و ثروت و بهره‌مندی‌های دنیائی آنها و ... توصیه می نماید.

سوره انبیاء نیز با تأکید بر نزدیک شدن روز حساب و غفلت توأم با اعراض کافران از ذکر پروردگار و به لهو و لعب مشغول بودن آنان افتتاح می گردد:

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفلة معرضون - ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه و هم یلعبون - لاهیة قلوبهم ...

بنابر این می توان گفت دنباله مطالب سوره طه به طور منطقی و طبیعی در سوره انبیاء پیگیری و تعقیب شده و با سیاق و سخن دیگری بی توجهی و غفلت کافران مذمت گردیده است.

در برابر چنین رفتاری، در سوره طه خداوند پیامبر را به انتظار برای به نتیجه و سرآمد رسیدن مکتسبات و عمر کافران دعوت می نماید:

قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوی و من اهتدی.
و در سوره انبیاء گفتار آن حضرت را در مورد علم خدا بر هر سخنی در آسمان‌ها و زمین نقل می نماید:

قال ربی یعلم القول فی السماء و الارض و هو السميع العلیم.